

محمد مهدی اسماعیلی
عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین *

در روز ۲۱ اکتبر، وزیر خارجه آمریکا برای نخستین بار واژه «خلع سلاح» را درباره گروه‌های متحد جمهوری اسلامی در عراق به کار برد و از بغداد خواست این نیروها را فوراً منحل کند. واکنش دولت عراق اما سنجیده و محتاط بود؛ بیانیه‌ای منتشر شد که از «اقدامات یک‌جانبه» انتقاد کرد و بر «گفت‌وگو و مشورت» تأکید نمود. این پاسخ، نشانه‌ای روشن است؛ بغداد همچنان می‌خواهد میان واشنگتن و تهران تعادل برقرار کند و به هیچ‌کدام اجازه ندهد موازنه شکستنده را برهم زنند. در سال‌های اخیر، دولت محمد شیاع السودانی با مهارت از کشیده‌شدن جنگ‌های منطقه‌ای به خاک عراق جلوگیری کرده است. او هم‌زمان با حفظ روابط راهبردی با ایران، تلاش کرده با ایالات متحده در حوزه انرژی و مسائل امنیتی همکاری داشته باشد؛ اما اکنون، با نزدیک‌شدن به انتخابات پارلمانی (۱۱ نوامبر)، فشار آمریکا برای

صندوق رأی تعیین‌کنندهٔ بغداد

مهار جریان‌های مسلح مقاومت به اوج رسیده است. واشنگتن می‌داند که تغییر ترکیب پارلمان عراق، می‌تواند سرنوشت گروه‌های مقاوم را نیز تغییر دهد. از همین رو، تحریم‌های جدید علیه برخی گروه‌ها و انتصاب دیپلمات‌های باتجربه مانند سساویا و هریس در سفارت بغداد، نشانه عزم جدی دولت ترامپ برای کاهش نفوذ تهران در عراق است. البته واقعیت این است که «خلع سلاح» نیروهایی که بخشی از ساختار رسمی امنیتی عراق هستند، نه‌تنها چالش حقوقی دارد، بلکه خطر بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی را نیز به دنبال دارد. بسیاری از این گروه‌ها، در چهارچوب «الحشد الشعبی» شناخته می‌شوند و از حمایت بخش مهمی از جامعه شیعه عراق برخوردارند. هرگونه اقدام اجباری علیه آن‌ها پیش از انتخابات، می‌تواند به رادیکالیزه‌شدن فضای سیاسی و حتی خیزش‌های خیابانی منجر شود. از سوی دیگر، ایران ترجیح می‌دهد عراقی ثبات و همکار داشته باشد تا عراقی درگیر و ناآرام. مرز ۱۴۵۰ کیلومتری



نقش مالیات سبز و مشوق‌های مالیاتی در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

محمد امین امین‌زاده
کارشناس مسائل اقتصادی

بی‌گمان گذار از اقتصاد متکی بر سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، نیازمند طراحی هوشمندانه سازوکارهای اقتصادی و مالی است. در این میان، «مشوق‌های مالیاتی» به‌عنوان ابزاری کارآمد در خدمت سیاست‌گذاری کلان، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و توسعه پروژه‌های پاک ایفا کند. بدین‌جهت لازم است با واکاوی ابعاد مختلف این موضوع، به تبیین نقش مشوق‌های مالیاتی، ظرفیت‌های قانونی موجود و راهکارهای ارتقای آن در ایران پرداخته شود.

مبانی قانونی و ظرفیت‌های موجود

قانون‌گذار ایران در سال‌های اخیر با درک ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، سبتهای حقوقی متعددی را فراهم کرده است. در چهارچوب «مساده ۶۱ قانون اصلاح الگوی مصرف»، سازوکار خرید تضمینی برق تجدیدپذیر تعریف شده که به وزارت نیرو اجازه می‌دهد با انعقاد قراردادهای بلندمدت (عمدتاً ۲۰ ساله) با سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی، ریسک اقتصادی پروژه‌ها را کاهش دهند. این سازوکار که مبتنی بر نرخ‌های مصوب هیئت وزیران است ضمانت خرید محصول (برق) را ارائه می‌دهد و جریان درآمدی قابل اتکایی برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند.

همچنین «ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید» راهکاری نوین با رویکرد

ارزی ارائه داده است. براین اساس، سرمایه‌گذارانی که پروژه‌های آن‌ها منجر به صرفه‌جویی در مصرف سوخت شود، می‌توانند معادل ارزش سوخت صرفه‌جویی‌شده را به‌صورت انرژی دریافت کنند. مصوبه شورای اقتصاد برای احداث ۴۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی با نرخ خرید ۹٫۶ سنت دلار به‌ازای هر کیلووات‌ساعت، نمونه عینی و امیدبخشی از اجرای این ماده قانونی است. ماده (۱۶) قانون جهش تولید دانش‌پنیا نیز با ایجاد الزام برای صنایع پر مصرف، تقاضای پایدار برای برق تجدیدپذیر ایجاد کرده است. براین اساس، صنایعی با مصرف بیش از یک مگاوات برق، موظف شده‌اند حداقل یک درصد از برق موردنیاز خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند و این سهم را در پنج سال به ۵ درصد افزایش دهند. این الزام، بازار تضمین‌شده و باثباتی برای تولیدکنندگان برق پاک فراهم می‌آورد.

مشوق‌های مالیاتی: اهرمی برای جذب سرمایه

در کنار این سازوکارها، مشوق‌های مالیاتی می‌توانند با کاهش هزینه سرمایه و بهبود نرخ بازده داخلی پروژه‌ها، جذابیت اقتصادی سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر را به‌طور چشمگیری افزایش دهند. ابزارهایی چون معافیت‌های مالیاتی (معافیت از پرداخت مالیات‌بردآمد برای دوره‌ای مشخص)، تسریع در استهلاک دارایی‌ها (کاهش پایه مالیاتی از طریق استهلاک مسریع‌تر)، اعتبارات مالیاتی (کسری مستقیم از مبلغ مالیات قابل‌پرداخت) و نرخ‌های ترجیحی مالیات می‌توانند بار مالیاتی پروژه‌ها را کاهش داده و نقدینگی سرمایه‌گذاران را افزایش دهند. این مشوق‌ها به‌ویژه

میان دو کشور، روابط اقتصادی عمیق و منافع مشترک امنیتی، تهران را نیز به حفاظت از تعادل کنونی علاقه‌مند کرده است. در این میان، آنچه روشن است اینکه رأی مردم عراق در انتخابات پیش‌رو، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. اگر میانه‌روها و جریان‌های ملی‌گرا پیروز شوند، دولت عراق می‌تواند با اعتمادبه‌نفس بیشتری گفت‌وگوهای داخلی را برای اصلاح ساختارهای امنیتی آغاز کند؛ اما اگر جریان‌های نزدیک به محور مقاومت اکثریت را به‌دست آورند، فشار آمریکا احتمالاً با واکنش سیاسی و اجتماعی مواجه خواهد شد. بنابراین، آنچه در ۱۱ نوامبر رخ خواهد داد، نه‌تنها تعیین‌کننده ترکیب پارلمان عراق است، بلکه سرنوشت رابطه بغداد با واشنگتن و تهران را نیز ترسیم خواهد کرد. در این بازی حساس، صندوق رأی این بار نقش میز مذاکره را بازی خواهد کرد و تصمیم مردم عراق، خط پایانی بر کشاکش قدرت‌های منطقه‌ای خواهد کشید.



چرا ترامپ سمت نیجریه رفت؟

مست بوی نفت

ادامه از صفحه یک

۲ بخشی از تمرکز آمریکا بر کشورهای نفتی همانند گذشته‌برای تاراج مستقیم چاه‌های نفت آن‌ها نیست. این هدف همچنان وجود دارد اما همانند گذشته قابل پیگیری نیست. از این رو واشنگتن که انقلابی تکنولوژیک در تولید انرژی خود رقم زد، در پی خارج کردن رقبا برای افزایش سهم خود در بازار جهانی است. اعمال تحریم‌های نفتی طی یک‌دهه گذشته بر نفت ایران، ونزوئلا و روسیه در این چهارچوب قابل تفسیرند. تولید نفت و گاز در آمریکا رشدی انفجاری داشته و انعکاسشان در صادرات بزرگ‌تر بوده است. صادرات نفت خام آمریکا طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ تقریباً ۱۶٫۶ برابر شده و از حدود ۲۴٫۸ هزار بشکه در روز در ۲۰۱۴ به ۴۰٫۱ میلیون بشکه در روز در ۲۰۲۴ رسیده است. طبق آمار موسسه کیپلر صادرات گاز آمریکا در بازه‌ای ده‌ساله از ۳۶ هزار تن در سال ۲۰۱۴ به ۸۷ میلیون و ۳۳۰ هزار تن در سال ۲۰۲۴ رسید که حاکی از رشد ۲۴۲ برابری است. افزایش ۱۶٫۶ برابری صادرات نفت و ۲۴۲ برابری صادرات گاز صرفاً ناشی از رشد تولید نیست بلکه هم‌ون تلاش‌های دولت آمریکا برای خارج کردن تولیدکنندگان عمده از دور رقابت‌ه‌است. برای مصرف‌کنندگان بسیاری به‌صرفه است که به دلیل فاصله نزدیک با ایران و روسیه و وجود خطوط لوله انتقال نفت و همچنین نفت سبک‌تر از تهران و مسکو انرژی خود را تأمین کنند. در این راستا خرید نفت از آمریکا در یک شرایط طبیعی و رقابتی برای دولت‌های متعددی به‌صرفه نیست؛ واشنگتن اما با تهدید به تحریم و اعمال تعرفه‌ها شرایطی مصنوعی برای فروش انرژی خود ایجاد می‌کند. این واقعیت در خصوص گاز پیشتر صدق می‌کند. صادرات نفت با سرعت و سهولت بیشتری از طریق نفتکش‌ها صورت می‌گیرد؛ اما انتقال و صادرات گاز وابستگی زیادی به خطوط لوله دارد. گاز را نیز می‌توان از طریق کشتی و دریا منتقل کسرد؛ اما این کار نیازمند سرمایه‌گذاری‌های سنگینی است. به همین دلیل برای مشتریان اروپایی و آسیایی راحت‌تر است که از روسیه گاز مورد نیاز خود را وارد کرده و یا به آذربایجان و ترکمنستان مراجعه کنند. برای کشوری مانند ترکیه سه‌گوشه عمده شامل روسیه، ایران و آذربایجان در پیرامون آن قرار گرفته‌اند اما رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور مجبور شد قراردادی ۴۳ میلیارد دلاری برای واردات گاز از آمریکا با ترامپ منعقد کند.

۳ نیجریه با جمعیت ۲۰۰ میلیونی، سهم بالای جوانان از جمعیت و نرخ رشد بالا یکی از اقتصادهای برتر در آینده خواهد بود. این کشور در حال حاضر بزرگ‌ترین اقتصاد قاره آفریقا ست. تولید روزانه نفت این کشور بین ۱٫۴ تا ۱٫۸ میلیون بشکه است. همچنین، تولید معدنی نیجریه در سال ۲۰۲۳ به ۹۵ میلیون تن رسید. در سال ۲۰۲۴ نیز درآمد بخش معدن نیجریه ۲۵ میلیارد دلار بود. آمریکا قصد دارد با فشار بر نیجریه کنترل خود بر صنعت انرژی این کشور را تقویت کرده، در برابر تبدیل شدن آن به یک اقتصاد پیشرو و اختلال ایجاد کرده و این کشور را از چین و دیگر دولت‌ها دور کند.

۲ **شفافیت و ثبات مقرراتی**: دولت باید «قانون دائمی و شفاف مشوق‌های مالیاتی بخش انرژی» را تدوین کند. کلیه شرایط، فرایندها و نرخ‌ها باید به‌طور شفاف اعلام و از تغییرات پیاپی و سلیقه‌ای پرهیز شود. ایجاد سامانه «یکپارچه اطلاع‌رسانی و ثبت درخواست‌ها» گام مؤثری در این مسیر است.

۳ **هدف‌مندسازی مشوق‌ها و اولویت‌بندی جغرافیایی**: اعطای مشوق‌ها باید به پروژه‌هایی محدود شود که در مناطق کم‌برخوردار یا مناطق ویژه اقتصادی اجرا می‌شوند یا از فناوری‌های بومی استفاده می‌کنند. این امر علاوه بر توسعه منطقه‌ای، به تقویت زنجیره تأمین داخلی و ایجاد عدالت محیط‌زیستی کمک می‌کند.

۴ **ارزیابی مستمر و پایش اثرگذاری**: دستگاه‌های نظارتی مانند سازمان امور مالیاتی باید به‌طور دوره‌ای هزینه‌ها و فواید اعطای این مشوق‌ها را ارزیابی کنند. این ارزیابی باید پاسخ دهد که هر ریال مالیات بخشیده‌شده، چه میزان سرمایه‌گذاری بهینه جذب کرده، چه ظرفیتی ایجاد شده و چه اثری بر اشتغال و محیط‌زیست داشته است.

در پایان می‌توان تأکید کرد مشوق‌های مالیاتی در صورت طراحی هوشمند، اجرای شفاف و ادغام در یک بسته سیاستی جامع (شامل خرید تضمینی، مقررات‌گذاری و تقویت زیرساخت) می‌توانند موتور محرک قدرتمندی برای گذار انرژی در ایران باشند. این امر نه‌تنها امنیت انرژی و سلامت محیط‌زیست را ارتقا می‌دهد که در چشم‌انداز بلندمدت با ایجاد صنعت نوآور و دانش‌پنیا زمینه‌ساز توسعه اقتصادی پایدار خواهد بود.

آشفته و عصبی این روزهای ظریف به روسیه را از این منظر می‌بینم. طنایی که می‌رفت تا چرخ سیاست و توسعه ایران را از تنگنای چاه روابط تنگ و تیره با غرب برکشانند و نوید آبدی و پیشرفت باشد، طوری به دستان و تن‌های برخی گره خورده است که توانفاندنش را محقو و پایان خود می‌بینند. لذا به قیمت قمار با منافع ملی، در تلاش هستند، نه برجام بلکه خود را حفظ کنند. این سخن صداالبته پیوست امروز ما نیست، بلکه در تمام این سال‌ها هم این درهم‌تیدگی جریان داشت؛ عقب‌نشینی‌های روز به‌روز ایام حیات برجام و پرخاشگری‌های نوبه‌نوی امروز، گویای همین است. از «شریک مزاحم در برجام که شد و برجام را با اروپایی‌ها ادامه می‌دهیم» تا «روی موشک شعار نداشتند تا برجام را نابود کنند» حتی اینکه «ماشه گز فعال شد غمی نیست؛ برگشتیم به دوره‌ای که قطعنامه‌ها کاغذپاره بود»!

۳ بیاید خودمان را جای ظریف بگذاریم و با خویش‌انگاری جریان مدافع برجام، درکی روان‌شناسانه از کنش و واکنش‌های آنان داشته باشیم. به نظر نویسنده، راه‌درک تجربه گربان‌ها و عبرت‌آلود برجام از این درگاه، بسیار بهتر و کارتر است. سؤال‌ها، مطالب‌ها، روشنگری‌ها، تاریخ‌نگاری‌ها و... باید با نقطه کانونی تجزیه‌و تحلیل چیستی و چرایی برجام باشد تا سوگیری اتهامات به سمت امثال ظریف و روحانی! مرور رفتارهای طرفه‌های دیگر این منازعه در یک ماه اخیر نشان می‌دهد اگر اتوانیم این جداسازی را انجام دهیم، کنش‌های سیاسی رنگ نزاع‌های قبیله‌ای را به خود خواهد گرفت که دود آتش آن به چشم ملت ایران خواهد رفت. در مقابل تکیه بر عبرت‌آموزی فنی و دقیق از این تجربه، موجب ایجاد آرامش و کاهش سطح تنازعات خواهد شد. بنابراین جداسازی سسرانجام برجام از فرجام به انجام‌سانندگان آن ضرورتی راهبردی و دلسوزانه است. صداالبته اولین گروه‌هی که بایستی از این کابوس

تلخ، درس بگیرند، اصلاح‌طلبان و جریان اجتماعی و سیاسی پیوسته با آن است.

۴ خورش و بررسی رفتار و تدابیر دو دهه اخیر مقام معظم رهبری از این مسیر، می‌تواند الهام‌بخش و راه‌گشا باشد. ایشان در

تمام این سال‌ها با «صادق، دلسوز و فرزندان انقلابی» خواندن دولتمردان

در مواجهه با غرب و تأکید به حفظ «خطوط قرمز» و اشارة به «اعنان

ایشان به عدم توانایی در حفظ این خطوط»، تلاش داشتند صف دولتمردان

جمهوری اسلامی را – با هر گرایش و رویکرد راهبردی – از خروجی

تصمیم و پیامدهای آن جدا سازند و اذهان ایرانیان را در درک تجربه

پرفراز و نشیب برجام متوجه سازند و فرجام آن را همچون آیینیه بر تارک افق

سیاسی رابطه ایران و غرب، بنمایانند. ایشان همچون پدری که ماموریتی

سخت و فرساینده‌ای را به یکی از فرزندان خود داشته‌اند، طوری رفتار

کرده‌اند که شکست او منجر به طردش از خانواده نگردد. بدبیهی است

هرگونه کارسپاری به این فرزند بایستی از پس درک دقیق آن تجربه و فراهم

نمودن مسیری باشد که امکان تکرار تلخ آن را به صفر برساند. بنابراین

نگرانی‌های سایر فرزندان که آحاد ایرانیان هستند، قبیق و مهم است.

۵ پایداری ما بر این سیاق خردمندانه و دوراندیشانه موجب

می‌شود، تهدیدهای برآمده از وضعیت امروز، در بهترین

شکل ممکن به فرصت‌هایی برای ساختن فردای ایران بدل شوند. فضای

فکری و رسانه‌ای این روزها را دست‌کم نگیریم؛ فرصتی پدید آمده که

نخبگان، علعان اجتماعی و اقتصادی و مردان سیاسی امکان تحقق توسعه

ملی ایران را از مسیری به‌جز رست و جو کرده و یا دست‌کم آرزو

کنند. این رو‌یای تلاش‌انگیز از پس یک کابوس ۱۰۰ (مساله، رخ نموده

است! مسیری که بایست آگاهانه انتخاب می‌شد، امروز باورمندانه رخ

نموده است.

فرهیختگان

فرهیختگان

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴

شماره ۴۵۴۷

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فرهیختگان